



The Problems of Silk Farmers in Gilan during the First Decade of Reza Shah's Rule: A Study Based on the Petitions of Silk Farmers from Langarud and Lahijan

Nadia Rah¹, Sina Foroozesh^{2*}, Masoumali Panjeh³

¹- PhD candidate in History, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. nadia.rah1359@gmail.com

²- Associate Professor, Department of History and Archaeology, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. s.foroozesh@iau.ir

³- Assistant Professor, Department of History and Archaeology, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. masomalipanjeh@iau.ir

Article Info

ABSTRACT

Article type:
Research Article

Received:
16/06/2025

Accepted:
21/10/2025

The livelihood and occupation of the villagers in Langarud and Lahijan, located in eastern Gilan, have long been rooted in sericulture. This study, by reviewing the background of silk production and trade in these two regions and based on nine historical documents obtained from petitions submitted to the National Consultative Assembly (Majles), examines the problems faced by rural silk farmers of Langarud and Lahijan during the first decade of Reza Shah Pahlavi's reign. Given the long-standing tradition of silk production and commerce in these areas, the article seeks to answer the question of what economic hardships the silk farmers encountered during this period and what outcomes their petitions and appeals ultimately produced.

Employing the historical research method and following a documentary-library approach within a descriptive-analytical framework, the study reveals that the silk farmers of Lahijan and Langarud suffered heavy financial losses—and consequently fell into poverty—due to the sale of spoiled silkworm eggs by the Frenchman *Monsieur de Bourdeux*, the *Filaturi Company*, and *Mo'in-ol-Tojjar of Bushehr*. In response, they submitted petitions to the National Consultative Assembly, lodging complaints and requesting both tax exemption and the establishment of an agricultural school to facilitate the proper development of silk production and trade. The outcome of these demands was the establishment of the *General Directorate of Sericulture* in 1935 (1314 SH), which, under the supervision of the Ministry of Interior, began operating with the aim of producing and distributing silkworm eggs and purchasing cocoons.

Keywords: Pahlavi-era Gilan, Rural Sericulture, Peasants' Petitions, Langarud and Lahijan.

Cite this article: Imanifard, Fatemeh; Allahyari, Hasan; Rasooli, Ali (2025), "The Problems of Silk Farmers in Gilan during the First Decade of Reza Shah's Rule: A Study Based on the Petitions of Silk Farmers from Langarud and Lahijan", *The History of Village and Rural Settlement in Iran and Islam*, Vol. 3, No. 1, P: 121-141.

DOI: 10.30479/hvri.2025.22257.1078

© The Author(s).



Publisher: Imam Khomeini International University

***Corresponding Author:** Sina Foroozesh

Address Associate Professor Department of History and Archaeology, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

E-mail: s.foroozesh@iau.ir



فصلنامه تاریخ روستا و روستانشینی در ایران و اسلام

شاپا الکترونیکی: ۳۰۶۰-۶۰۱۲

سال سوم، دوره جدید، شماره اول، بهار ۱۴۰۴



مشکلات نوغان‌داران گیلانی در دهه اول حکمرانی رضاشاه:

پژوهشی بر پایه عریضه‌های نوغان‌داران لنگرود و لاهیجان

نادیا ره^۱، سینا فروزش^{۲*}، معصومعلی پنجه^۳

۱- دانشجوی دکتری تاریخ ایران بعد از اسلام، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

nadia.rah1359@gmail.com

۲- دانشیار گروه تاریخ و باستانشناسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. s.foroozesh@iau.ir

۳- استادیار گروه تاریخ و باستانشناسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

masomalipanjeh@iau.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله:	پیشه و معیشت دهقانان روستاهای لنگرود و لاهیجان در شرق گیلان از دیرباز بر پایه‌ی نوغان‌داری استوار بوده است. این پژوهش با مروری بر پیشینه‌ی تولید و تجارت ابریشم در این دو ناحیه و با تکیه بر نه سند تاریخی به‌دست‌آمده از میان عریضه‌های مجلس، به بررسی مشکلات نوغان‌داران روستایی لنگرود و لاهیجان در دهه‌ی نخست حکومت رضاشاه پهلوی می‌پردازد. هدف مقاله، با توجه به سابقه‌ی طولانی تولید و تجارت ابریشم در این مناطق، پاسخ به این پرسش است که نوغان‌داران در این دوره با چه دشواری‌های معیشتی روبه‌رو بودند و سرانجام عریضه‌نویسی و تظلم‌خواهی آنان چه بود. این پژوهش با روش تحقیق تاریخی و به شیوه‌ی مطالعه‌ی اسنادی - کتابخانه‌ای، و بر اساس رویکردی توصیفی - تحلیلی، نشان می‌دهد که نوغان‌داران لاهیجان و لنگرود در این دوره به سبب فروش تخم نوغان فاسد از سوی «مسیو دوبردوی» فرانسوی، «کمپانی فیلاتوری» و «معین‌التجار بوشهری»، دچار زیان مالی سنگین و در نهایت فقر و تنگدستی شدند. آنان در پی این وضعیت، با ارسال عریضه‌هایی به مجلس شورای ملی، ضمن شکایت و دادخواهی، تقاضای بخشودگی مالیات و تأسیس مدرسه‌ی فلاح را مطرح کردند تا از این رهگذر بتوانند تولید و تجارت ابریشم را در مسیر صحیح توسعه دهند. نتیجه‌ی این مطالبه‌گری، تأسیس «اداره‌ی کل نوغان» در سال ۱۳۱۴ش بود که با هدف تهیه و توزیع تخم نوغان و خرید پيله، زیر نظر وزارت کشور فعالیت خود را آغاز کرد.
دریافت:	۱۴۰۴/۰۳/۲۶
پذیرش:	۱۴۰۴/۰۷/۲۹
واژگان کلیدی:	گیلان در دوره‌ی پهلوی، نوغان‌داری روستایی، عریضه‌های دهقانان، لنگرود و لاهیجان.

استناد: ره، نادیا؛ فروزش، سینا؛ پنجه، معصومعلی (۱۴۰۴)، «مشکلات نوغان‌داران گیلانی در دهه اول حکمرانی رضاشاه: پژوهشی بر پایه عریضه‌های نوغان‌داران لنگرود و لاهیجان»، فصلنامه تاریخ روستا و روستانشینی در ایران و اسلام، سال سوم، شماره اول، صص ۱۴۱-۱۲۱.



DOI: 10.30479/hvri.2025.22257.1078

حق مؤلف © نویسندگان.

ناشر: دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)

مقدمه

گیلان پیش از استقرار حکومت صفویان، در قالب دو واحد سیاسی بیه پیش و بیه پس، تحت حاکمیت‌های محلی اداره می‌شد. لاهیجان و لنگرود که در شرق گیلان قرار داشتند، زیر نظر حاکم رانکوه - مرکز بیه پیش - مدیریت می‌شدند. از این رو، تحولات تاریخی و روند توسعه‌ی این دو شهر به‌طور تنگاتنگی به هم وابسته است. با توجه به سیاست‌های اقتصادی صفویان و اهتمام ویژه‌ی آنان به صنعت ابریشم، جغرافیای ابریشم‌خیز گیلان نیز به یکی از مناطق مورد توجه شاهان این دوره بدل شد. شاه عباس اول در چارچوب سیاست‌های توسعه‌ی اقتصادی خود، برای گسترش توستان‌ها و رونق پرورش کرم ابریشم، گروه‌هایی از ارامنه و گرجیان را به این منطقه کوچ داد و شهرهای لاهیجان و لنگرود در شرق گیلان پذیرای این مهاجران شدند. افزایش تقاضای جهانی برای ابریشم سبب شد گیلان بخش بزرگی از نیاز بازار ابریشم ایران را تأمین کند. در نتیجه، سواحل دریای کاسپین به مهم‌ترین مسیر تجارت ابریشم با اروپا تبدیل شد.

در دوره‌ی افشاریه، با دعوت از «جان التون» برای توسعه‌ی نیروی دریایی در شمال ایران - به‌ویژه در شهر لنگرود - تلاش شد جایگاه اقتصادی و نظامی این منطقه در گسترش قدرت ایران پررنگ‌تر شود. هرچند کنسولگری روسیه، با تحریک نیروهای بومی و انهدام نخستین کشتی التون در لنگرود، مانع تحقق کامل این سیاست گردید، اما جریان اقتصادی ابریشم در گیلان متوقف نشد و تجار و کمپانی‌های متعددی در این عرصه سرمایه‌گذاری کردند. اقتصاد و معیشت مردم لاهیجان و لنگرود به‌شدت به تولید ابریشم وابسته بود، به‌گونه‌ای که این صنعت بر فرهنگ، ادبیات و هویت مکانی منطقه نیز اثر گذاشت. نام‌هایی چون «لاهیجان» و محله‌هایی همچون «شعربافان» بازتابی از پیوند عمیق میان زندگی مردم و صنعت ابریشم‌اند. با این حال، در اواخر دوره‌ی قاجار، به‌دلیل گوناگون، صنعت ابریشم گیلان دچار رکود شد و در پی آن، وضعیت معیشتی نوغان‌داران - که قشر بزرگی از جمعیت این خطه را تشکیل می‌دادند - رو به وخامت نهاد. با وجود این افول، در آغاز حکومت رضاشاه پهلوی کارگاه‌های ابریشم در لاهیجان و لنگرود همچنان فعال بودند.

این پژوهش با تکیه بر عریضه‌های نوغان‌داران روستاهای لاهیجان و لنگرود که به مجلس شورای ملی ارسال شده است، در پی پاسخ به این پرسش است که نوغان‌داران در این دوره با چه مشکلاتی روبه‌رو بودند و سرانجام عریضه‌نویسی و دادخواهی آنان چه نتیجه‌ای در پی داشت.

۱. جغرافیای تاریخی گیلان، لنگرود و لاهیجان در مسیر جاده ابریشم

جغرافیای ایران در طول تاریخ، به‌عنوان مهمترین مسیر عبور تجارت جهانی موسوم به «جاده ابریشم»، حلق اتصال بازارهای بازرگانی شرق و غرب به شمار می‌رفت. تاجران ونیزی و ژنوایی، از نخستین نمایندگان اروپایی در این مسیر، برای گسترش فعالیت‌های تجاری خود در سواحل دریای سیاه و دریای کاسپین سرمایه‌گذاری کردند. به‌احتمال زیاد، مسیر عمده دادوستد آنان از آستراخان (هشترآباد) به شهرهای گیلان، از جمله لنگرود و بندرانزلی، امتداد داشته است (کاری، ۱۳۴۸: ۲۵). گزارش‌ها حاکی است که بازرگانان ایتالیایی سالیانه شش یا هفت کشتی حامل ادویه، عطر و کالاهای گرانبهای هند و ایران را در این مسیر جابه‌جا می‌کردند (شهاب، ۱۳۴۳ق: ۲۳۴-۲۴۸).

در میان کالاهای صادرشده از شرق به غرب، منسوجات ابریشمی بیش از هر چیز نماد شکوه و تجمل در میان امپراتوری‌های وقت بود و ازاین‌رو توجه اشراف و بازرگانان بزرگ را به خود جلب می‌کرد. ابریشم همچنین به‌سبب استحکام، جزو مهمترین الیاف صنعتی جهان آن دوره محسوب می‌شد و به‌سرعت جایگاه کالایی استراتژیک در بازرگانی جهانی یافت. مرغوبیت ابریشم مناطق حاشیه دریای کاسپین، این جغرافیا را به یکی از مراکز اصلی تولید و تجارت ابریشم بدل کرد (پناهی و همکاران، ۱۴۰۰: ۴۰-۴۶). منافع کلان حاصل از تجارت ابریشم گیلان موجب شد تا مسیر تجاری خاور آسیا و اروپا، از طریق سرزمین‌ها و راه بازرگانی خوارزم - ولگا و نواحی شمالی دریای کاسپین تا دریای سیاه، دوباره رونق گیرد (دین‌پرست، صدقی و صوری، ۱۳۹۴). ریچارد چانسلر نماینده انگلیسی‌ها، نخستین فردی بود که با اجازه تزار روسیه، ایوان مخوف، مجوز سفر از روسیه به سوی چین را به‌دست آورد. این مأموریت به تأسیس «کمپانی مسکوی» یا «شرکت تجارت روسیه» انجامید. پس از مرگ چانسلر و ناکامی برخی از نمایندگان شرکت، «آنتونی جنکینسون» در سال ۱۵۵۷م. به ریاست این کمپانی منصوب شد و مأموریت یافت مسیرهای تجارت با چین را از راه ولگا، دریای کاسپین، خیره و بخارا بررسی کند (نوائی، ۱۳۹۷: ۱۱۸-۱۲۱). در آن زمان، انحصار تجارت ابریشم ایران در اختیار پرتغالی‌ها بود؛ ازاین‌رو، جنکینسون با خرید ابریشم شمال ایران، به‌ویژه گیلان، می‌کوشید این انحصار را از دست آن‌ها خارج نماید (پناهی، ۱۳۹۰: ۱۸۰).

در دوره صفویه و در چارچوب سیاست‌های توسعه اقتصادی شاه‌عباس اول، شمار زیادی از گرجیان و ارامنه برای گسترش صنعت ابریشم به نواحی شمالی ایران کوچانده شدند. یکی از انگیزه‌های اصلی شاه‌عباس از اسکان ارامنه در این مناطق، بهره‌گیری از مهارت صنعتگران ارمنی در تولید و فرآوری ابریشم بود (اعرابی هاشمی، ۱۳۹۵). بخشی از منسوجات ابریشمی تولیدشده در گیلان، همراه با دیگر کالاهای تجاری این منطقه، از طریق رودسر و لنگرود به روسیه و از آنجا به بازارهای اروپایی صادر می‌شد (رابینو، ۱۳۶۶: ۳۵۳).

جونس هنوی^۱ بازرگان انگلیسی، در سال ۱۷۴۳م با هدف تجارت با ایران و تکمیل مأموریت ناتمام آنتونی جنکینسون به ایران آمد. او با تأسیس مؤسسه‌ای در سن‌پترزبورگ و همکاری کمپانی دینگلی، تلاش کرد بازرگانان انگلیسی را به استفاده از مسیر تجاری دریای کاسپین و گیلان ترغیب کند و نشان دهد که این مسیر از نظر اقتصادی مقرون‌به‌صرفه‌تر از راه خلیج فارس است. هنوی معتقد بود راه دریایی مسکو - ولگا - گیلان مطمئن‌تر و پرسودتر برای بازرگانان انگلیسی است (پناهی، ۱۳۹۰: ۲۱۱).

نتایج تلاش‌های هنوی سرانجام به انعقاد قراردادی میان «جان التون» انگلیسی و «نادرشاه افشار» انجامید که به موجب آن، التون مأمور ایجاد نیروی دریایی در شمال ایران، به‌ویژه در لنگرود، شد. علاوه بر این، وی به منظور تجارت ابریشم وارد نواحی شمالی ایران گردید (لکه‌هات، ۱۳۵۷: ۲۵-۲۷). بر پایه گزارش «داوید گنج‌ناف»^۲، تاجر گرجی، در ۱۲ ژانویه ۱۷۴۸م، التون با شورش نیروهای بومی روبه‌رو گردید؛ در این حادثه، تجهیزات و کشتی‌های او در ساحل لهرود لنگرود به آتش کشیده شد. دو کشتی ساخته وی، که هرکدام مجهز به دو توپخانه بودند، زیر نظر نه ملوان ایرانی در دریاچه پاسبه - نزدیک مصب رودخانه‌های سژورو^۳ و زاساندیا در فاصله‌ای حدود سیزده کیلومتری از لنگرود - لنگر انداخته بودند. پس از شورش، تجهیزات این کشتی‌ها غارت شد و تنها سه کشتی نیمه‌تمام و تخته‌های پراکنده در ساحل باقی ماند. انبارها به آتش کشیده شد و التون نیز در پی ابتلا به تب نوبه جان باخت (استادوخ، ص ۶۸).

رابینو در حوالی سال ۱۲۹۰ش بندر لنگرود را چنین توصیف می‌کند: کرجی‌های بزرگ و کشتی کوچک تقریباً تا نزدیکی ساحل می‌آیند. عمق لنگرگاه لهرود لنگرود در تابستان ۳ تا ۴ قدم

^۱ - Jonas Hanway.

^۲ - به نظر رودخانه سلوش در روستای سلوش است.

^۳ - مصب رود چمنخاله.

است. طول مسیری از رودخانه که کشتی می‌تواند بپیماید ۵/۱ ورست^۱ است. عمق لنگرگاه رودسر مقابل دهانه رود^۲، ۷ ساچین^۳، عمق دهانه در تابستان ۲ تا ۴ قدم، طول مسیری از رودخانه که کشتی می‌تواند بپیماید ۳ ورست است. عمق لنگرگاه پلرود لنگرود در دریا مقابل دهانه رود، ۷ ساچین، عمق دهانه رود در تابستان، ۳ و ۴ قدم، طول مسیری از رودخانه که کشتی می‌پیماید ۶ ورست است (کریمی تمیجانی، ۱۳۸۲: ۳۳۶)؛^۴

مهمترین انبار کالای شمال ایران در تمیجان واقع شده بود که از آنجا با کمترین فاصله (تقریباً ۱۱۰ کیلومتر) کالاها از گیلان به قزوین و سپس سراسر ایران منتقل می‌شد. بازرگانان طبرستان و گرگان و باکو و سایر بنادر دریای کاسپین، کالاهای خود را از راه بنادر رودسر، چمخاله و لنگرود به تمیجان می‌آوردند و از آنجا انتقال کالا از مسیر خشکی کوهستان انجام می‌شد (کریمی تمیجانی، همان: ۱۳).

در نیمه قرن نوزدهم در دوره سلطنت قاجاریه، اوضاع گیلان ثبات نسبی پیدا کرد، زیرا پایتخت به تهران منتقل شده بود و نفوذ حکومت مرکزی بر ایالت گیلان افزون گردید و از این تاریخ، با فرمان حکومتی طبق دستور فتحعلی شاه، دیلمان یعنی تمام بلوکات کوهستان لاهیجان، ضمیمه رانکوه شد (کشاورز، ۱۳۴۷: ۵۰-۵۳).

حکمرانی قاجاریه در دوره فتحعلی شاه قاجار، با توسعه راه‌های گیلان، در صدد بود تا حکومت مرکزی علاوه بر جغرافیای سیاسی دارالمرز گیلان به تجارت سواحل کاسپین نیز تسلط بیشتری داشته باشد. از این رو جاده منجیل به قزوین تعمیر شد. ناصرالدین شاه نیز دهکده سراوان را وقف نگهداری جاده رشت به امامزاده هاشم و رشت به لاهیجان نمود، اما توسعه راه‌های اصلی تجاری گیلان، در سال ۱۳۱۸هـ/ ۱۹۰۰م توسط سپهدار اعظم اتفاق افتاد. سابقاً سه راه اصلی در گیلان دیده می‌شد: ۱. قزوین به دیلمان و لاهیجان، ۲. راه ساحلی مازندران به رودسر، ۳. راه ساحلی آستارا به گسکر. سپهدار اعظم طرح عظیم جاده‌های این مناطق را شروع کرد. وی از رودسر به لنگرود-لاهیجان-کیسم و رشت و راهی دیگر از رشت به پسیخان-جمعه بازار-

۱ - هر ورست مساوی است با ۱۵۶۷ متر.

۲ - مصب کیارود.

۳ - هر ساچین مساوی است با ۱/۹۴۹ متر.

۴ - بقایای کشتی‌های دوره قاجاریه در لنگرگاه‌های لنگرود مشاهده می‌شود، از جمله بقایای کشتی پراخت در لنگرگاه الله-رود همچنان از لابلای گل و لای ساحل به چشم می‌خورد.

کسما- شکرباغان و طاهرگوراب احداث نمود. رابینو اذهان داشته است که این راهها در مواقع بارندگی قابل ارابه‌رانی نبودند زیرا سنگفرش نشده بودند و در زمستان وضع نامساعدی داشتند (رابینو، ۱۳۶۶: ۵۱-۵۲).

بوهرل^۱، در سال ۱۲۶۹ق در زمان سلطنت ناصرالدین‌شاه از فرانسه به تهران آمد. وی در سفر به گیلان در باب جغرافیای مسیر حرکت بین لنگرود تا رودسر و تنکابن، رودسر را قصبه‌ای در جوار دریا معرفی کرده است که در میان آن میدانی است به شکل اهلیجی^۲ که اطراف آن بازار بسیار خوبی است مرکب از کسبه معتبر (بوهرل، ۱۳۵۷: ۳۱-۳۳).

ملگنوف در سفرنامه‌اش به کاروانسرای در دو فرسخی لنگرود اشاره دارد که هفته‌ای دو نوبت بازار در آن دایر بود. اهالی اغلب ابریشم پرورش می‌دهند و محصول آن ۴۲ باتمان^۳ شاه در سال است. راه لنگرود به رودسر از چینیشان است (که امامزاده دارد، می‌رسد به رودخانه شلمان که آب این رودخانه از ناتشکوه می‌آید و جریان دارد در بلوک رانکوه در میان لنگرود و رودسر، دهات دو طرف رودخانه شلمان در میان باغ‌های توت محل پرورش کرم ابریشم پنهان شده است) (گلزاری، ۱۳۶۴: ۱۶۶-۱۶۸).

ظهیرالدین مرعشی روستای راه‌پشته را که امروزه یکی از محلات لنگرود است در ساحل راست سپیدرود و در نزدیکی لنگرود نام برده است که یکی از مهمترین مراکز پرورش ابریشم بوده است (مرعشی، ۱۳۵۰: ۱۱۸).

در سال ۱۸۱۰م جان مک‌دولاندکینر از صادرات محصول ابریشم این مناطق به آستراخان و ثروتی که برخی از بومیان از این راه به دست آورده بودند صحبت کرده است (کینر، ۱۳۶۹: ۳۴۴). جیمز بیلی فریزر، سیاح انگلیسی، در سال ۱۸۲۱م/ ۱۲۳۶ق پس از کشتار طاعون همه‌گیر وارد رشت شده بود. در خاطراتش می‌نویسد: «تمام فاصله تمیجان تا رودسر درخت‌های توت است و این توتستان برای پرورش ابریشم بود. اکنون فصل خریدن و دسته کردن و صادر کردن ابریشم است و بسیاری از کاروانسراها پر از بازرگانانی بود که دست‌اندرکار این مشاغل‌اند و از این رو منظره‌ای که دیدم نسبتاً با روح و پر از ازدحام بود» (فریزر، ۱۳۶۴: ۵۷۱-۵۷۶).

^۱ - Bohler

^۲ - به شکل هلیله. در اصطلاح علم مساحت شکلی خاص است و آنچنان باشد که اگر دو قوس متساوی به سطح محیط شوند که هر قوس کمتر از نصف دایره باشد شکل اهلیجی حاصل گردد. (لغت نامه دهخدا به نقل از نفایس القنون).

^۳ - هر باتمان حدود یک من است.

ابراهیم‌بیک در سفرنامه‌اش به سال ۱۲۷۷ق / ۱۸۶۰م گزارشی از ابریشم گیلان برای ژنرال دُرِن می‌نویسد؛ در این گزارش آمار تولید ابریشم چنین آمده است: «قاسم‌آباد چهل و سه من به وزن شاه، ابریشم داشته و سیاهکله-رود هفتاد من به وزن شاه، رودسر چهل و دو من به وزن شاه و در لنگرود سالی هزار من کج تابیده خوب به عمل می‌آید و ابریشم یک من از چهارده تومان الی شانزده تومان به فروش می‌رسد» (ابراهیم‌بیک، ۱۳۸۵: ۱۶۴).

قاسم‌آباد ملک میرزا عبدالباقی منجم‌باشی لنگرودی بود. املاک وی شامل دو محله عنوان شده است که محله بالا نیم فرسخ با کنار دریا مسافت دارد و در این املاک، ابریشم به وزن شاه، ۴۳ من برداشت می‌شد. در سیاهکله‌رود و محله اوطاق که به پای‌کوه واقع است هر ساله ۷۰ من ابریشم به وزن شاه تولید می‌شد. مالیات این مناطق ۱۵۰۰ تومان است که به حاکم لنگرود و رانکوه می‌دهند (گلزاری، همان: ۱۵۴).

۲. جایگاه ابریشم در معیشت روستاهای لنگرود و لاهیجان

نیمه اول قرن نوزدهم، تولید ابریشم گیلان رشد زیادی داشت به نحوی که در سال ۱۸۴۰م / ۱۲۵۶ق، مقدار محصول ابریشم گیلان پنج ششم کل محصول ایران معادل یک میلیون پوند بود که ارزش آن نزدیک به ۵۰۰ هزار لیره تخمین زده شده است (عیسوی، ۱۳۶۹: ۳۵۵).

پراکنش جغرافیایی پرورش ابریشم در شهرهای گیلان، از گذشته تا به امروز تقریباً متمرکز بر تمام شهرهای استان گیلان بوده است، اما شهرستان لنگرود و سپس لاهیجان بیشترین مشارکت در تولید پيله را داشتند (خردادی و همکاران، ۱۴۰۰).

پیشینه تولید ابریشم در لنگرود و لاهیجان سبب شد تا معیشت مردمان بومی وابسته به ابریشم شود و چرخه اقتصاد مبتنی بر ابریشم در منطقه شکل بگیرد. اقتصاد مبتنی بر ابریشم، زیرساخت تبلور فرهنگی و ادبی ویژه‌ای در این منطقه شد و تا جایی پیش رفت که بر جای‌نام‌ها نیز اثرگذار شد. برخی واژه لاهیجان را «مرکب از دو کلمه «لای» یا «لاس» به معنای ابریشم و جان به معنای مکان می‌دانند» (قربانی، ۱۳۵۷: ۱۲۹). اشپیگل، محقق آلمانی، نام لاهیجان را به معنی «شهر ابریشم» می‌داند (کشاورز، ۱۳۳۶: ۸۵). «این شهر در گذشته لاهگان بوده است، سپس معرب شده و به لاهیجان مشهور گشته است به معنای محل تولید ابریشم بوده است» (رایینو، ۱۳۷۲: ۳۳۹).

محله شعربافان لنگرود نیز متأثر از شغل شعربافی که نوعی بافت پارچه ابریشم است، نامگذاری شده است. «شعربافی بافته باارزشی است که دستگاه آن یک دستگاه عمودی است و شکل بافت آن همان شکل رد کردن پود از ضرب تارهاست. بافته این دستگاه بسیار سبک، ظریف و دقیق است و شعربافی یکی از پرمشقت‌ترین کارهاست» (کریمی و محبوب‌فر، ۱۳۹۱: ۹۴). در شعربافی لنگرود، با الیاف ابریشم کار می‌شد. «سیاحان از سه نوع ابریشم که در گیلان و تبریز حاصل می‌شد، تحت نام‌های شعربافی، خرواری و لژ نام برده‌اند» (کنارودی و نعیمی، ۱۳۷۴: ۵۹؛ به نقل از تاورونیه).

تولیدات امتعه ابریشمی در لنگرود و لاهیجان مرهون توتستان‌های وسیع روستاهای این مناطق بوده است. یکی از توتستان‌های بزرگ منطقه مربوط به کمپانی لاسقاریدیس بود. کمپانی، تخم نوغان را با برند نشان مرغ دوسر که از سوی دولت عثمانی به طور انحصاری در اختیار موسیو اناستاس پهنایونانی تبار قرار داده بود (حسنی، ۱۳۸۶) تهیه می‌کرد و پس از مدتی به دلیل افزایش تقاضا در لاهیجان و لنگرود و معروفیت تخم نوغان با برند مرغ دوسر، لاسقاریدیس درصدد برآمد تا انحصار آن را از موسیو پهنایونانی باز پس گیرد و به کمک شهبندری عثمانی موفق به این کار شد (امیری، ۱۳۹۴: ۷۰). با این کار میزان مصرف تخم نوغان در ارباستان سالی به ۵۰ باب^۱ رسید که تخم نوغان از سوی تجارتخانه برای پرورش کرم ابریشم و تولید پيله تهیه و ارسال می‌شد. دیگر تجار و پرورش‌دهندگان لاهیجان از جمله شعاع‌السلطنه پسر حاجی یوسف، میرزا علی‌خان طالع، میرزا داوود صدر دانشی، برادران قصیری، مشهدی ابوالقاسم کریم، مشهدی میرزا آقا کریم و ... نیز از این فرصت بهره می‌بردند و تخم نوغان مصرفی خود در هر سال به کمک مباشرین، از تجارتخانه لاسقاریدیس تأمین می‌نمودند (امیری، همان: ۳۴-۴۶).

کاگه آکی اوبابا، خبرنگار ژاپنی که در سال ۱۹۱۰م/ ۱۲۸۸ش از روسیه به ایران سفر کرده، در سفرنامه‌اش گزارش داده است: «در سواحل جنوب دریای خزر و شرق گیلان پرورش کرم ابریشم رونق دارد. توتستان‌های زیادی کنار راه دیدم. مقدار پيله ابریشم این مناطق که از بندر انزلی صادر می‌شود حدود ۴۰۰۰۰ پود^۲ در سال است، که از این میان ۲۵۰۰۰ پود را یک شرکت فرانسوی^۳ منحصراً به آن کشور می‌فرستد» (ئه‌اورا، ۱۳۹۲: ۱۰۴-۱۰۹).

^۱ - هر باب یک من پيله است.

^۲ - هر پود معادل ۱۶/۳۸ کیلوگرم است.

^۳ - کمپانی بونه، لیون فرانسه.

۳. وضعیت تولید و تجارت ابریشم در ابتدای دوره پهلوی

سال ۱۳۰۵ ش. در سال‌های نخست حکومت پهلوی، میزان تقاضای تخم نوغان در بین نوغان‌داران گیلان به صدهزار جعبه رسیده بود. همچنین میزان تولید ابریشم در سال ۱۳۰۶ ش. به ۲۰۰۰ تن در سال رسید (لافون؛ رایینو، ۱۳۹۲: ۲۹).

در این سال‌ها تولید و تجارت ابریشم در گیلان گستره‌ای بین‌المللی یافته بود. مسیو فواد قصیری، یکی از تجار عرب که به کار تجارت ابریشم و واردات تخم نوغان مشغول بود، نامه‌هایی به شجاع‌السلطنه در لاهیجان نوشته است. در محتوای مکتوبات او در اردیبهشت ۱۳۰۵ ش. به فروش تخم نوغان از کمپانی لاسقاریدیس و صادرات این محصول، اشاره مستقیم دارد: «۴۷۰۰۰ جعبه تخم نوغان در بغداد خراب شده است و بدیع [برادر مسیو فواد] مشغول گرفتن وجه بیمه و منتظر ورود ۲۰۰۰۰ جعبه دیگر یا به وسیله ائروپلان [هواپیما] یا به وسیله دیگر از لاهیجان است. معادل ۷۰۰۰ جعبه از مال لاسقاریدیس و خنجیان [است]. از جناب ارباب میرزا علی‌اکبر لنگرودی و جهت بنده فوراً بنویسید مستحضرید تا امروز ۱۰۵ هزار جعبه تخم نوغان از ایشان خریداری شده است» (کمام: ۱۳۴۵۶). نامه مسیو فواد نمایی از صادرات مازاد تخم نوغان لنگرود و لاهیجان است.

تولید ابریشم تا این دوره در ایران - گیلان - از شیوه سنتی پیروی می‌کرد. در این شیوه، نوغان‌داری ساختاری معیشتی داشت، زیرا به دلیل تعدد زیرمجموعه‌های تولید در این صنعت از جمله نگهداری توتستان‌ها، پرورش کرم ابریشم تا پيله، استخراج پيله، نخ‌کشی، رنگرزی و انواع دست‌بافت نیاز به نیروی انسانی بسیار داشت. در نتیجه اقشار مختلفی از مردم در کارگاه‌های سنتی مشغول به کار شده بودند. «اقتصاددانان، با استفاده از تحقیقات مردم‌شناسی، اقتصادهای سنتی را «اقتصاد تأمین بقا» نامیدند» (فرخ‌نیا، ۱۳۸۹: ۸۴). بنابراین صنعت ابریشم نیز در مسیر تأمین بقا مردمان جغرافیای ابریشم‌خیز گیلان، اقتصاد معیشتی مبتنی بر ابریشم را شکل داده بود.

هنگامی که مجموعه سیاست‌های رضا شاه پهلوی و اقدامات وی در راستای توسعه و مدرنیزاسیون در دستورکار قرار گرفت، سبب شد تا تولیدات صنعتی جایگزین شیوه‌های سنتی شود. مهمترین اقدام رضا شاه تبیین قانون‌گذاری برای صنایع کشور بود. در زمینه سازماندهی صنعت ابریشم ایران نیز تصویب‌نامه خرید و فروش تخم نوغان در ابتدای حکومت وی در سال

۱۳۰۶ش. در دستور کار هیأت وزیران قرار گرفت. در سال ۱۳۱۴ش. اداره کل نوغان با هدف تهیه و توزیع تخم نوغان و خرید پيله تأسيس شد که زیر نظر وزارت کشور اداره می‌شد (صندوق مطالعاتی توسعه نوغان‌داری، ۱۳۶۷: ۱۸/۱). قانون انحصار پيله و تخم نوغان نیز در سال ۱۳۱۶ش. از تصویب مجلس گذشت و دستگاه مستقلی به نام «شرکت نوغان» تأسیس شد (لافون؛ رابینو، همان: ۲۹).

۴. تجزیه و تحلیل محتوایی عریضه‌های نوغان‌داران روستاهای لاهیجان و لنگرود به مجلس شورای ملی در دهه اول عصر رضاشاه

در باب تحولات معیشت نوغان‌داران روستاهای لنگرود و لاهیجان که عمده‌ترین تولیدکنندگان ابریشم ایران - گیلان - بودند، تاکنون اطلاعاتی منتشر نشده است. لذا با جستجو و واکاوی اسناد و عریضه‌های مردم گیلان در مجلس شورای ملی در دهه نخست حکومت رضا شاه پهلوی، از مجلس ششم تا سیزدهم شورای ملی، در بین بیش از ۱۰۰۰ برگ سند مربوط به عریضه‌های مردم گیلان که در آرشیو مجلس شورای ملی موجود است، تنها ۹ برگ سند به عریضه‌های نوغان‌داران روستاهای لنگرود و لاهیجان تعلق دارد (پناهی، ۱۳۹۸: ۷-۳۶).

محتوای اغلب اسناد، عریضه‌های نوغان‌داران روستاهای لنگرود و لاهیجان به صورت شکوائیه و دادخواهی مطرح شده است. مطالعه محتوایی این اسناد می‌تواند معیشت نوغان‌داران روستایی و دلیل مطالبه‌خواهی آن‌ها از دولت مرکزی را در آن برهه زمانی نمایه‌سازی کند. سند نخست از سوی نماینده لاهیجان، محمود رضا، به مطالبات نوغان‌داران لاهیجان از جمله آستانه - چورکوچان - بیل بیجار - کوه‌ردال راجع به اجحافات و تعدیات خریداران پيله است که توسط محمود رضا پیگیری شده است (کمام، ۱۳۶۷: ۱۳۶۷).

سند دوم مربوط به عریضه گروهی از نوغان‌داران گیلان به مجلس درباره خسارات وارده به آن‌ها از سوی مفتش اداره نوغان است. به همراه این عریضه، نوغان‌داران یک جعبه از تخم نوغان مسیو دوبردو، مفتش متخلف فرانسوی را که به لاک و مهر اداره فرانسه [به احتمال زیاد مؤسسه بونه] است، برای دادخواهی خدمت آقای دکتر مصدق، نماینده مجلس فرستاده‌اند و درخواست دارند متخصصین نوغان بررسی کنند و ببینند که در ۲۰۰ هزار جعبه تخم نوغان وارده، پنج هزار

جعبه سالم و مابقی فاسد بوده است. همچنین نوشته‌اند که شهرداری جمهوری ترکیه نیز در روزنامه ایران موضوع خرابی نوغان را تأیید می‌کند (کمام، ۱۳۶۷۵).

سند سوم نیز مربوط به محمود رضا است که وضعیت معیشت نوغان‌داران گیلان را به مجلس شورای ملی گزارش می‌دهد. در این سند، اداره پرس شنگ فیلاتوری و معین‌التجار بوشهری به عنوان عامل توزیع تخم نوغان فاسد به نوغان‌داران لنگرود و لاهیجان اشاره شده است.

سند چهارم مربوط به اوضاع پریشانی و فلاکت نوغان‌داران است که عامل آن از نبود نوغان و خرابی‌های تخم نوغان‌های اروپایی است. مخصوصاً محل آستانه اشرفیه که دارای پنج هزار نفوس است و معاش آن‌ها منحصر به نوغان است و با نبود نوغان اهالی پریشان شده‌اند و از دوماه قبل برای معاش و قوت یومیه معطل مانده‌اند. قسمت بزرگ این فجایع و خرابی به دلیل طمع‌کاری‌های آقای حاج معین‌التجار بوشهری است؛ زیرا ایشان تخم نوغان فاسد را به قیمت ارزان با رعایا به عوض هربابی یک من پیله معامله کرده است؛ در حالی که همان تخم نوغان‌های خراب را هربابی هشت قران خریده بود. حالا از نوغان‌دار به ازای هربابی یک من پیله مطالبه دارند. روز و شب فقرا توأم با گرفتاری و در فشار مطالبه ایشان است (کمام، ۱۵۳۶).

سند پنجم از سوی نوغان‌داران و زارعین در وصف پریشان‌حالی و فقر و فلاکت نوغان‌داران در پی خسارات ناشی از خرابی محصول نوغان اشاره کامل دارد. در این سند به صراحت بیان شده که در شهر آستانه معاش پنج هزار نفوس وابسته به ابریشم است. در عریضه‌ای که در آذر ماه ۱۳۰۶ ش. نوغان‌داران روستای دیوشل لنگرود به مجلس شورای ملی ارسال کرده‌اند، به انحصار وراثت املاک وارثین منجم‌باشی اشاره شده است. در این دوره چون شیوه زراعت در گیلان بر اساس ارباب‌رعیتی بود و معاش رعیت وابسته به تصمیم ملاکین بود، در شرایط تقسیم املاک منجم‌باشی، بی‌توجهی ورثه به امور رعیت سبب شده تا آن‌ها محصول نامناسبی برداشت کنند. رعایا عدم نظارت مالکین را در خرید تخم نوغان فاسد، دلیل اصلی خسارت بر محصول خود می‌دانند و از دولت مرکزی استمدادجویی کرده‌اند (کمام، ۱۵۴۷۰).

سند ششم عریضه نیست، بلکه اساننامه تأسیس مدارس فلاحت در کشور است که در اول خرداد ۱۳۰۷ ش. در مجلس مصوب و در یکصد و هشتمین جلسه شورای عالی معارف نیز به تصویب رسیده است. بر اساس این مصوبات در گیلان و سایر نقاط ایران مدارس فلاحت تأسیس

و توسعه یافت. مدارس فلاحت موظف شدند تا فرزندان کشاورزان را تعلیم دهند تا با روش‌های کشاورزی مدرن آشنا شوند (کمام، ۳۲۰۷).

سند هفتم، مربوط به نوغان‌داران روستاهای شلمان، دریاکنار، ویسه، خافخر، یوناغ و حاجی محله و سایر قراء لنگرود است. این عریضه در پی عریضه مردم آبکنار در سال ۱۳۰۷ ش. به مجلس شورای ملی ارسال شده است. در این عریضه نوغان‌داران وضعیت معیشت خود را اسفبار شرح می‌دهند و اذعان می‌دارند که توان پرداخت مالیات نوغان را ندارند. دو تقاضا مطرح کرده‌اند: ۱- تشکیل مجلس رؤسا برای رفاه حال فقرا و دادرسی مظلومان ۲- تحقیق در باب اینکه معروضه ما صدق بوده و تلابارهای نوغان به چه دلیل خراب شده است و باعث این فقر و ضعف شده است (کمام، ۱۷۷۴).

سند هشتم مربوط به نوغان‌داران دهکاه لاهیجان است. پس از پشت سر گذاشتن وضعیت فلاکت باری که بر اثر خرابی نوغان بر آنان مستولی شد؛ بر اساس این سند در سال ۱۳۰۹ ش. مردم دهکاه درخواست تأسیس مدرسه کشاورزی و نوغان‌داری از دولت مرکزی دارند. آنان با امید به آینده تقاضا کردند که با توسعه آموزش از خسارات در آینده پیشگیری شود (کمام، ۶۹۷۸). سند نهم مربوط به مالیات نوغان‌داران لنگرود است. اصل مالیات معوق شده است و حالیه تومانی دو قران حق‌الحکومه به بدهی نوغان‌داران افزوده شده است. هر قدر در رشت تظلم کردند توجهی نشد. عریضه‌ای به آقامیرزا آقاخان پیشکار نوشتند. جواب این بود که در یک ده عشریه و در یک ده اصل مالیات و در یک ده اصل وافره و حق‌الحکومه باید پرداخت شود. لذا پاسخ پیشکار نیز به ضمیمه عریضه به مجلس برای تعیین تکلیف ارسال شده است (کمام، ۶۸۷۲). به لحاظ موضوعی و محتوایی می‌توان عریضه‌های مردم لنگرود و لاهیجان را در جدول زیر تعریف نمود:

جدول شماره ۱: بخش‌بندی موضوعی عریضه‌های نوغان‌داران لنگرود و لاهیجان به مجلس

در دهه اول حکومت رضاشاه

تاریخ سند	ارسال کننده سند	خلاصه محتوای سند
۱۳۰۶/۰۶/۲۸	عریضه محمود رضا نماینده لاهیجان	تقاضای دادرسی به عریضه زارعین قراء لاهیجان.

۱۳۰۶/۰۶/۲۹	خسارت وارده به نوغانداران از سوی مفتش اداره نوغان	در موضوع خرابی تخم نوغان اگر ثابت شود که مسیو دو بر دوی فرانسوی مفتش اداره نوغان خدعه بزرگی به گیلانی نموده و ماها را دچار دو کرور تومان خسارت تخم نوغان نموده است...
۱۳۰۶/۰۷/۰۱	عریضه رعایای گیلان به وسیله محمودرضا نماینده دارالشوراء.	در اعتراض به فشار و تعدیات اتباع خارجه و خسارات وارده از سوی آنان در فروش تخم نوغانهای فاسد به زارعین.
۱۳۰۶/۰۸/۲۹	عریضه رعایای نوغاندار گیلان	درباره اوضاع پریشان و فلاکت بار آنان از نبود نوغان در اثر ستمهای وارده از سوی حاملین.
۱۳۰۶/۰۹/۰۴	عریضه رعایای قریه سرهند دیوشل لنگرود	درباره اوضاع سخت معیشتی شان بواسطه نبود نوغان و زراعت و اختلاف میان مالکین ورثه گان میرزا عیسی خان منجم باشی.
۱۳۰۷/۰۳/۰۱	تصویب اساسنامه مدرسه فلاحت	بر اساس ماده ۲ اساسنامه در دروس عملی موظف هستند عملیاتی که در مزرعه سرمشقی و اراضی و باغها متعلق به مدرسه دانش آموزان باید شرکت کنند.
۱۳۰۷/۱۰/۱۵	تقاضای کاهش مالیات نوغان	تاکس ورودی تخم نوغان از سال گذشته افزوده شده است، از مجلس تقاضا شده جلوی آن را بگیرند زیرا یگانه وسیله امور معاش رعایای فقیر حدود شمال ایران از قبیل گیلان، مازندران، استرآباد و توابع خراسان بسته به عمل نوغان است و این

تاکس ^۱ جدید سبب خواهد شد که رعایای بی بضاعت از خرید آن خوداری و عمل نوغان هم به کلی معدوم شود.		
برای ایجاد مدرسه جهت توسعه معارف و آشنایی اعقاب آنها با اصول امر فلاحه.	عریضه رعایای دهکاه لاهیجان	۱۳۰۹/۰۱/۰۶
به مجلس و درخواست تخفیف مالیات به جهت عمل نیامدن نوغان.	عریضه رعایای شلمان لنگرود	بی تا

۵. تحلیل محتوایی اسناد

از عریضه‌های نوغان‌داران لنگرود و لاهیجان در دهه اول حکومت رضاشاه به مجلس شورای ملی چنین برمی‌آید که گروهی از تجار جهت کسب منافع مقدار قابل توجهی تخم نوغان فاسد را بین نوغان‌داران این مناطق توزیع نمودند که این عامل باعث خسارت بسیاری به نوغان‌داران شده است. نوغان‌داران عاملین توزیع فرانسوی را در این کار مقصر شناخته‌اند و در سندی آمده است: «درموضوع خرابی تخم نوغان اگر ثابت شود که مسیو دوبردو فرانسوی مفتش اداره نوغان خدعه بزرگی به گیلانی نموده و ماها را دچار دو کرور تومان خسارت تخم نوغان نموده است، جبران این ضرر را که باید بکند. برای ثبوت خدعه او یک جعبه دوکیسه از تخم نوغان وطن عزیز مسیو دوبردو را که فرانسه باشد با لاک و مهر اداره فرانسه به توسط جناب آقای دکتر مصدق نماینده محترم مجلس انفاذ حضور مبارک نمایندگان محترم نمودیم. آخر درخواست بفرمائید از متخصص نوغان که در توی دویست هزار جعبه نوغان وارده امساله که بقول خودتان ممیزی نمودید پنج هزار جعبه فاسد نبود که او را رد کرده برای اسکات قلب ما که بفرمائید تخم نوغان قلب را رد کرده‌ام که چه خرابی تخم نوغان امساله را در محیط گیلان نمی‌شود مخفی داشت. با وجود این اعلان کفالت شهبندری جمهوری ترکیه را روزنامه ایران که دلالت بر فساد تخم نوغان امساله می‌کند جناب میسو دوبردو چه جواب خواهند داد؟ از شما حامیان ملت استمداد می‌کنیم که به عرایض مظلومانه رسیدگی کرده نگذارند حقوق حق ماها را پایمال کنند. تجارت خانه‌های خارجی از مسببین اصلی این فلاکت بودند. تجار خارجه خصوصاً اداره پرس شنگ فیلاطوری

^۱ tax همان مالیات

تخم نوغان‌های فاسد به گیلان آورده به ما زارعین فلاحین داده‌اند. هرباب یک من پیله سند گرفتند.» (کمام: ۱۳۶۷۵).

در یکی دیگر از عریضه‌ها عنوان شده است که حاج معین‌التجار بوشهری تخم نوغان را از دوبر هرباب هشت قران خریده است و به نوغان‌داران عوض هرباب یک من پیله معامله کرده است. پیله مطالبه او به ثمر نرسیده است و وی روز و شب فقرا و رعایا را در فشار مطالبه قرار داده است (کمام: ۱۵۳۶۷).

علاوه بر تجار محلی، فشار مضاعفی از سوی مالکین توتستان‌ها بر نوغان‌داران حاکم بود. پس از اصلاحات میانی دوره قاجار با فرمان مظفرالدین شاه مبنی بر اصلاحات در شیوه زمین‌داری و واگذاری زمین‌های خالصه به ملاکین و سرمایه‌گذاران خصوصی، خاندان منجم‌باشی فرصت یافت تا به خرید و تصرف اراضی مسکونی، زراعی و تجاری به ثروت خود بیفزاید. حاجی آقا بزرگ منجم‌باشی، یکی از بزرگان خاندان، طی سال‌های مختلف زمین‌های زراعی واقع در گل‌کاسرا در رودسر (ساکما، سند شماره ۲۹۶/۲۰۳۳)، تعدادی زمین در روستای رانکوه واقع در املش (ساکما، سند شماره ۲۹۰/۱۹۱۷۴) را از کدخدایان و زارعان خریداری کرد و به یکی از عمده مالکان گیلان تبدیل شد.

پس از فوت میرزا عیسی‌خان منجم‌باشی، وراث برای تقسیم زمین با یکدیگر اختلاف پیدا کردند؛ در یکی از عریضه‌های نوغان‌داران قریه سرهند دیوشل، ورثه عیسی‌خان را عامل مشکلات اقتصادی خود معرفی کرده‌اند و چنین نوشته‌اند: «به واسطه نبود نوغان و زراعت و اختلاف آقایان مالکین ورثه‌گان مرحوم آقای میرزا عیسی‌خان منجم‌باشی گیلانی در فشار و دچار زحمت بوده و هستیم. اولاً در تأمین توشه سال مایه و ماعده آقایان مالکین به این چاکران نداده از اطراف از دیگر مایه و مساعده و عوامل تهیه نمودیم که صرف عده برسانیم ... ثانیاً از آقایان مالکین تقاضا و درخواست نمودیم که مزارع را بازدید که تکلیف معین نمایند. آقای میرزا باقرخان که یکی از وراث بوده باشد آمده مزارع را بازدید نموده یک صورتی برای خودش نوشته رفته هیچ تکلیفی معین نکرده و پس از چند روز دیگر آقایان مالکین با مالیه لنگرود و دو شاهزاده مهدی‌قلی میرزا به قریه دیوشل آمدن مزارع دیوشل را بازدید و تکلیف را معین نفرمودند» (کمام: ۱۵۴۷۰).

در سال ۱۳۰۶ ش. قوانین مربوط به مالیات نوغان وضع گردید. در پی وضع قوانین مذکور نوغان‌داران موظف شدند بر اساس نرخ مصوب دولتی بخشی از درآمد ناشی از تولید و فروش

نوغان را به دولت بپردازند. اخذ مالیات از نوغان‌داران در شرایطی که حاصل پيله ابریشم با اضمحلال روبرو شده بود، ظلمی فاحش محسوب می‌شد که در عریضه‌ای از مردم شلمان لنگرود دیده می‌شود: «شلمان، دریاکنار، ویسه، خافخر، یوناغ و حاجی محله و سایر قراها که نزدیک به محل ماها بوده داده بعد از گذاشتن تخم نوغان به تل انبارها تماماً خراب شده و تمام توت‌ها بائر مانده بود. معاش کمترینان در این قراء از حاصل نوغان بوده امر معیشت از دست رفته، محل کمترینان بی‌بار شده. در این قراء مبلغ کلی مالیات به دولت تقدیم می‌شود. ملاحظه حقارت و آه و ناله اطفال و تحت کسری حساب از طلب خارجه و داخله یکسره قطع امید بریده شد. گشایش کارهای خود را اول از پروردگار و دوماً از امنای مجلس محترم می‌خواهیم. تشکیل مجلس رؤسا برای رفاهیت حال فقرا و دادرسی مظلومان است. فقیریم چاره نداریم. اولاً تحقیق کنید مطالب معروضه ما صدق بوده. توجه مراحم کامله خود را در حق فقرا و ضعفا منظور دارید به نوعی که از عهده‌ی زندگی خود برآمده و آسایش خود را از هیئت محترم مجلس و رؤسای محترم جلیله خواهانیم» (کمام: ۱۷۷۴).

شدت آسیب اقتصادی رعایای نوغان‌دار سبب شد تا نماینده مردم لاهیجان محمود رضا تقاضای دادرسی عریضه زارعین آستانه- چورکوچان- بیل بیجار- کوهردال از قراء لاهیجان را به مجلس ارائه دهد و خواستار تخفیف و یا بخشودگی مالیات شود (کمام: ۱۳۶۷۶).

نوغان‌داران لنگرود و لاهیجان علت وقایع را در ناآگاهی خود می‌دانستند، لذا در عریضه‌ای متقاضی تحصیل فرزندانشان در مدارس فلاحیت شدند تا شاید با یادگیری راه و رسم دقیق فلاحیت به عقوبت پدرانشان دچار نشوند (کمام: ۶۹۷۸). در سال ۱۳۱۴ش. اداره کل نوغان با هدف تهیه و توزیع تخم نوغان و خرید پيله زیر نظر وزارت کشور تأسیس شد و قوانین مربوط به خرید و فروش و آموزش نوغان‌داری به تصویب رسید (صندوق مطالعات توسعه نوغان، ۱۳۶۷: ۱۸).

نتیجه‌گیری

در این مقاله ضمن بررسی تاریخی موقعیت تولید و تجارت ابریشم در لنگرود و لاهیجان، اسناد و عریضه‌های روستاییان نوغان‌دار این مناطق در ابتدای دوره حکمرانی رضاشاه بررسی شد. در بازخوانی و بررسی عریضه‌های نوغان‌داران روستایی لاهیجان و لنگرود روشن شد که دو سند مربوط به محمود رضا، نماینده مردم لاهیجان، در باب مطالبات نوغان‌داران به مجلس شورای

ملی است. محتویات عرایض نشان می‌دهد که اسناد بر اساس شکایت تنظیم شده‌اند و بار حقوقی دارند. از محتوای عرایض برمی‌آید که با فروش تخم نوغان فاسد از سوی مسیو دوپردو فرانسوی و کمپانی فیلاتوری همچنین معین‌التجار بوشهری به نوغان‌داران، محصول نوغان بی‌حاصل بوده است. لذا نوغان‌داران نتوانسته‌اند بدهی‌های خود را به دلالت تخم نوغان بدهند و از سویی مالیات بر ارزش افزوده نوغان که بر اساس قوانین مصوب در سال ۱۳۰۶ش بر بدهی آنان مضاعف شده است.

باتوجه به مشکلات ذکرشده، وضع معیشت مردم روستایی لاهیجان و لنگرود که بنا به عرایض‌شان به مجلس شورای ملی، وابسته به صنعت ابریشم بود، دچار تزلزل شد و جملگی به فقر و فلاکت دچار شدند. عرایض آنان به مجلس دو وجه حقوقی را دنبال می‌کند: ۱. شکایت از افرادی که مسبب افول تولید ابریشم شده‌اند. ۲. تظلم‌خواهی جهت بخشودگی مالیات که بر مشکلات آنان مضاعف شده بود.

سند آخر تقاضای تأسیس مدرسه فلاح است که از سوی نوغان‌داران محلی به مجلس ارائه شد تا بتوانند در مسیر صحیح تولید و تجارت ابریشم را توسعه دهند. نتیجه مطالبه‌خواهی آنان تأسیس «اداره کل نوغان» در سال ۱۳۱۴ش، با هدف تهیه و توزیع تخم نوغان و خرید پيله زیر نظر وزارت کشور شد.

منابع و مآخذ

کتاب‌ها

- ابراهیم بیک (۱۳۸۵)، *سفرنامه استرآباد و مازندران و گیلان و استرآباد*، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- امیری، علی (۱۳۹۴)، *نامه‌های لاستقاریدیس به میرزا قاسم شعاع‌التجار لاهیجانی*، رشت: ایلیا.
- بوهلر، الکساندر (۱۳۵۷)، *سفرنامه و جغرافیای گیلان و مازندران*، به کوشش محمدتقی پوراحمد جکتاجی، لاهیجان: انتشارات گیل.
- پناهی، عباس، حسینی مقدم، سیدحسن و ره، نادیا، (۱۴۰۰)، *صنعت نوغان گیلان در مسیر جاده ابریشم*، رشت: دانشگاه گیلان.

- پناهی، عباس (۱۳۹۸)، اسناد و عریضه‌های مردم گیلان در مجلس شورای ملی دوره پهلوی اول (مجلس ششم تا سیزدهم شورای ملی)، گیلان: ایلیا.
- رایینو، لویی (۱۳۶۶)، ولایات دارالمرز ایران (گیلان)، ترجمه جعفر خمami زاده، رشت: طاعتی.
- کریمی تمیجانی، حسن (۱۳۸۲)، تاریخ رانکوه، تهران.
- کشاورز، کریم (۱۳۴۷)، گیلان، شماره ثبت کتابخانه ملی : ۲۱۵۱-۳۶/۱۱/۲۹.
- کنارودی، قربانعلی و نعیمی، سهیلا، (۱۳۹۲)، حکومت سادات آل کیا، چابکسر: نوین پویا.
- کینر، جان مک دونالد (۱۳۶۹)، جغرافیای امپراطوری ایران، مترجم سهراب امیری، تهران: وحید.
- گلزاری، مسعود (۱۳۶۴)، سفرنامه ملگونف به سواحل جنوبی دریای خزر، تهران: دادجو.
- فرخ‌نیا، رحیم (۱۳۸۹)، مقدمه‌ای بر مردم‌شناسی، تهران: اداره انتشارات دانشگاه بوعلی سینا.
- فریزر، ج. بیللی (۱۳۶۴)، سفرنامه فریزر، ترجمه: منوچهر امیری، تهران: توس.
- قربانی، امیر (۱۳۵۷) تصاویری زیبا از دوران قاجاریه و پهلوی، منبع: موسسه تاریخ معاصر ایران.
- لافون، هل. رایینو (۱۳۷۲)، صنعت نوغان در ایران، ترجمه: جعفر خمami زاده، چ ۱، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- لکهارت، لارنس (۱۳۵۷)، نادرشاه، ترجمه: مشفق همدانی، چ دوم، تهران: امیرکبیر.
- عیسوی، چارلز (۱۳۶۹)، تاریخ اقتصادی ایران در عصر قاجار (از ۱۸۰۰ تا ۱۹۱۴ م)، ترجمه: یعقوب آژند، چ ۲، تهران: نشر گستره.
- مرعشی، ظهیرالدین (۱۳۵۰)، تاریخ گیلان و دیلمستان، تصحیح منوچهر ستوده، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- نوائی، عبدالحسین (۱۳۹۷)، روابط سیاسی و اقتصادی ایران در دوره صفویه، تهران: سمت.

- وزارت کشاورزی (۱۳۶۷)، «صندوق مطالعاتی توسعه نوغانداری و صنایع ابریشم ایران، امکانات توسعه نوغانداری و صنایع ابریشم کشور»، معاونت امور واحدهای تولید و کشت صنعت‌ها.
- نه‌اورا، کینچی (۱۳۹۲)، *سفرنامه ایران مساجی اینووه مسافر ژاپنی در ماورالنهر، ایران و قفقاز (۱۳۲۰ ه.ق/ ۱۹۰۲ م)*، ترجمه: هاشم رجب‌زاده، تهران: طهوری.

مقالات

- اعرابی هاشمی، شکوه السادات (۱۳۹۵)، «دلایل اسکان ارمنیان گیلان و مازندران به فرمان شاه عباس اول»، مجموعه مقالات همایش گیلان در گستره صفوی، رشت: دانشگاه گیلان.
- حسنی، سید رحمان، «تحقیقات تاریخی: ابریشم در عصر قاجار و تجارت آن از طریق دریای خزر با تکیه بر اسناد آرشیوی (۱۳۴۳-۱۳۲۷ ق. ۱۸۲۸-۱۹۰۹ م)»، گنجینه اسناد، ج ۱۷، شماره ۳، ص ۷-۲۴، ۱۳۸۶.
- خردادی، محمدرضا؛ حسینی مقدم، سید حسین؛ صبوری، عاطفه؛ محفوظی، کامران (۱۴۰۰) «معرفی هیبریدهای برتر کرم ابریشم در مناطق مختلف جغرافیایی استان گیلان» ، مجله تحقیقات تولیدات دامی.
- پناهی، عباس (۱۳۹۰)، «کارکرد اجتماعی بانوان گیلانی از نگاه سفرنامه‌نویسان عصر صفویه تا دوره قاجار»، رشت: دو فصل‌نامه ره‌آورد گیل، شماره ۲۶.
- دین‌پرست، ولی، ناصر صدقی، سعیده سوری (۱۳۹۴)، «مناسبات تجاری جمهوری های ونیز و جنوا با ایران عصر ایخانیه»، فصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء (س)، سال بیست و پنجم، دوره جدید، شماره ۲۶، پیاپی ۱۱۶.
- شهاب، مورش (۱۳۴۳ ق)، «راه ابریشم»، دانشگاه لبنان: نشریه الدارسات الادبیه، شماره ۲۳ و ۲۴.

اسناد

- کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی (کمام)، (بی‌تا)، «عریضه اهالی شلمان به مجلس درباره مالیات سنگین و تقاضای تخفیف و رسیدگی»، سند شماره ۶۸۷۲.

- _____، (۱۳۰۶)، «عریضه رعایای نوغان‌دار گیلان به مجلس درباره مالیات سنگین و تقاضای تخفیف و رسیدگی»، سند شماره ۱۳۶۷۵.
- _____، (۱۳۰۶)، «عریضه رعایای نوغان‌دار گیلان به مجلس درباره اوضاع پریشان و فلاکت بار آنان از نبود نوغان در اثر ستم‌های وارده از سوی حاملین»، سند شماره ۱۵۳۶۷.
- _____، (۱۳۰۶)، «عریضه رعایای قریه سرهند دیوشل به دارالشورای ملی درباره اوضاع سخت معیشتی‌شان بواسطه نبود نوغان و زراعت و اختلاف میان مالکین ورثه‌گان مرحوم میرزا عیسی خان منجم‌باشی»، سند شماره ۱۱۵۴۷۰.
- _____، (بی‌تا)، «عریضه رعایای شلمان لنگرود به مجلس و درخواست تخفیف مالیات به جهت عمل نیامدن نوغان و پاسخ مجلس»، سند شماره ۱۷۷۴.
- _____، (۱۳۰۶)، «عریضه رعایای دهکاه لاهیجان به مجلس برای ایجاد مدرسه جهت توسعه معارف و آشنایی اعقاب آنها با اصول امر فلاحه»، سند شماره ۶۹۷۸.
- _____، (۱۳۰۶)، «عریضه محمود رضا نماینده لاهیجان به ریاست مجلس شورای ملی و تقاضای دادرسی به عریضه زارعین قراء لاهیجان»، سند شماره ۱۳۶۷۶.
- _____، (۱۳۰۷)، «تلگراف قاسمیان یکی از اهالی رشت به مجلس و تقاضای کاهش مالیات نوغان»، سند شماره ۱۱۴۳.
- ۴- _____، (۱۳۴۴ق)، «تلگراف موسیو فواد قصیری به شعاع السلطنه»، سند شماره ۱۳۴۵۶.
- مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی امور خارجه (استادوخ)، (۱۷۴۸)، «گزارشات چرکساف و سروان کاپیتاوسکی: ساختن کشتی توسط جان التون انگلیسی»، سند شماره ۶۸.
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما)، (بی‌تا)، «خرید زمین‌های خالصه گل‌کاسرا در رودسر از سوی خاندان منجم‌باشی»، سند شماره ۲۹۶/۲۰۳۳.
- _____، (بی‌تا)، «خرید زمین‌های برخی از روستای رانکوه توسط خاندان منجم‌باشی»، سند شماره ۲۹۰/۱۹۱۷۴.